

در جوامع غربی که مردم از گرسنگی جان نمی دهند پرشهایی چون وظیفه رمان و تاثیر دیگر شاخه های ادبیات بر روی آن مطرح می گردد و به صورت ادواری در مباحثه ها ظهور می کند. رمان که در هر بهار می میرد، در پاییز زنده می گردد؛ تنفس می کند و بزرگ می شود و شاید به خاطر این بزرگ شدن است که نفس می کشد.

در سالهای اخیر مشکل رمان را میلان کوندرا در کتاب هنر رمان مورد بررسی قرار داده است. کوندرا مدافع خستگی ناپذیر هنر رمان است که با نگارش آخرین رمان خود زمینه را برای مباحثه های جدید مهیا کرده است. کوندرا با توجه به وصیت کافکا به دوستش ماکس برود در مورد سوزاندن آثار وی پس از مرگش عنوان: وصایای انجام یافته را به آخرین رمان خود می دهد. وی این سوال را از افرادی چون فلینی مارکز، فونتس را ... تکرار می کند که می پرسند: «دنیای واقعی در درون مفهوم رمان قرار می گیرد. اما انسان چگونه می تواند هم این دنیای واقعی را بدست آورده و هم دنیای خیال و بازیهای فانتزی را مد نظر داشته باشد؟ انسان در زمانی که به شیوه ای خشک سعی در شناختن دنیا را دارد، چگونه می تواند از سوی دیگر در خیالات بی مرز خود آزاد باشد؟ تطبیق این دو وضعیت متضاد چگونه ممکن می شود؟

آراگون نیز در کتاب خود به نام پرداختن به دروغهای واقعی سعی در حل این مشکل را دارد به نظر کوندرا رمان انتقامی است که انسان از داستانهای کوتاه می گیرد. نویسنده رمان نه تنها به اختلاط سه واقعیت با غیر واقعیت می پردازد، قدرت تخیل خود را برای ایجاد دروغهایی که تولد رمان به آنها وابسته است بکار می گیرد، به موقع به بازی با هنر نیز می پردازد.

در هر رمان تاریخی می توانند در هم ادغام گردند. رمان را به صورت

و منطقه ای که اخلاق در آن منجمد گردیده است. نیز توصیف کرده اند. کوندرا در این باره چنین می گوید «انجماد اخلاقی در رمان از بی اخلاقی آن که از اخلاقی آن پیش می آید. افرادی چون پانورزا، (Panugre)، ژوستین (Justin)، بوواری (Bovary)، راستنیاک (Rastignac) و ... دلیل این مدعی هستند.»

در رمان وصایای انجام یافته این گفتگوی زیبا پاسخگوی بسیاری از سوالات است:

- آقای کوندرا شما کمونیست هستید؟

- نه خیر من رمان نویس هستم.

- شما تجزیه طلب هستید؟

- نه خیر من رمان نویس هستم.

- شما دست راستی هستید یا چپ؟

- من نه چپ هستم و نه راستی. من رمان نویس هستم.

کوندرا در این کتاب ضمن پاسخ دادن به منتقدین رمان، مباحثه ای جدی در باره رمان فرانسه به وجود می آورد. عده ای اعتقاد دارند که رمان حیات را پشت سر گذاشته و مرده است، به نظر عده ای دیگر رمان همیشه زنده خواهد ماند، در اینجا مصاحبه هایی را که فیگارو (Figaro) با اسماعیل قداره (Ismail Kadare) و ژولیان بارنه (Julian Barnes) انجام داده و در ضمیمه ادبی خود به چاپ رسانده است ارائه می دهیم.

سوال: این روزها در فرانسه موضوع احتضار رمان مطرح است. شما در این باره چه فکر می کنید؟

اسماعیل قداره: این اندیشه اساسی ندارد. به نظر من در عصر ما

## پوشش از سه زمان نویس بزرگ

کوندرا: زمان انتقامی است که انسان از داستانهای کوتاه می گیرد.

اسماعیل قداره: در عصر ما زمان مهم ترین عامل شنای ادبیات است.

ژولیان بارنه: زمان جاودانه است.

# آیا رمان دارد می میرد

وی این سوال را از افرادی چون فلینی، مارکز، فونتس ... تکرار می کند که می پرسند: «دنیای واقعی در درون مفهوم رمان قرار می گیرد. اما انسان چگونه می تواند هم این دنیای واقعی را بدست آورده و هم دنیای خیال و بازیهای فانتزی را مد نظر داشته باشد؟

رمان مهمترین عامل غنای ادبیات ملی است. این مشکل ادبی بیش از همه از شعر حماسی (از گیلگمش تا زرتانه دولان) و از تراژدی (از عصر قدیم تا شکسپیر) تاثیر پذیرفته است. هر کدام از این شکلها تقریباً دوهزار سال زندگی کرده‌اند. به نظر من رمان شکل سوم ادبی است که خلاقیت را مدیون این دو شکل است. در خلاقیت ملی، شاخه‌های هنری تماماً تغییر نمی‌کنند، بلکه فقط چهره عوض می‌کنند. لذا تا زمانی که شکلی جدید و موثر در افق ادبیات ظاهر نگردد، در ادامه حیات رمان نیز نمی‌توان تردید کرد. رمان امروزی از روزهای نخست عمر خود تفاوتی چندان نکرده است و انتقادهایی که تاکنون از رمان به عمل آمده به اندازه امروز شدت نداشته است، اینکه رمان علیرغم همه این اوضاع تداوم خود را حفظ کرده است، نشان می‌دهد که روح انسانی در برابر تمام ناکامیها تا چه حد تاب مقاومت دارد.

سؤال: در رأس انتقاداتی که در باره رمان مطرح می‌شود به

بی‌فایده‌گی آن اشاره می‌کنند. به نظر شما رمان به چه دردی می‌خورد؟

- از این انتقاد چیزی نمی‌فهمیم. رمان شکلی است که همه فعالیت‌های

فکر انسان را دربرمی‌گیرد. اگر تا این حد کوتاه‌بینانه بیاندیشیم باید از

خود بیرسیم: موسیقی، نقاشی و یا سینما به چه دردی می‌خورند؟

سؤال: به نظر شما مهمترین ویژگی رمان چیست؟

- رمان هم مانند هنرهای دیگر برپایه همان خلاقیتها تشکیل شده

است. این ویژگیها را نمی‌توان در نظام رده‌بندی و یا در نظم سلسله

مراتبی قرار داد و ارزیابی کرد. یک رمان جهان داخلی انسان را به

شکلی موثر جمع می‌کند و بدین صورت شکل می‌گیرد. در اصل

بزرگترین مشکل یک نویسنده رمان در این است که تاریک‌های حیات

خود را به روشنی تبدیل گرداند؛ اکثر آثار در این مرحله می‌میرند. شاید



بزرگترین ویژگی زمان را بتوان در تجلی دنیای معشوش نویسنده، در اثرش دانست.

سؤال: به نظر شما شخصیت‌های یک رمان براساس افکار پایه گرفته‌اند یا عکس این موضوع صادق است؟

- این سؤال پرسشی علمی است که می‌تواند همه مشکلات ادبیات را حل کند. همواره سعی می‌شود جزئیات که در حقیقت تشکیل دهنده کل هستند به صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرند با توجه به لزوم قبول این تجزیه‌های علمی و قبول خطر تحلیل سطحی می‌توان گفت که رمان تنها براساس تفکر خلق نشده است. ولی اینهم کافی نیست. ثروتمندانی را که در رمان نفوس مرده گورگول (Gogol) دیده می‌شوند در هیچ رمان دیگری نمی‌توان نامی توان یافت. در صورتی که این شاهکار به خاطر توصیف بی‌افسون مسافرت کسی که ارواح را جمع می‌کند (شیطان) خیلی چیزها را از دست داده است.

سؤال: گفته می‌شود، رمان شاخه‌ای است که می‌تواند تحت تاثیرات فرهنگی و ادبی قرار گیرد. شما در این باره چگونه فکر می‌کنید؟

- اندیشه‌ای که می‌گویند ادبیات، ادبیات را بوجود نمی‌آورد، تفکری بسیار ریشه‌دار است. من به نام خود در این موضوع بسیار قاطع هستم. به خاطر اینکه فرهنگ و ادبیات نیز در درون زندگی جای دارند، چرا باید هر دو با هم داخل رمان نباشند؟ من این را به این جهت می‌گویم که بعضی از آثار ادبیات محدود شده است. رمان مانند دیگر شاخه‌های هنری امری خیالی است - این را به معنی مثبت آن می‌گوئیم و احتیاجی به بعضی از حیل‌هایست.

سؤال: آیا خطرناک نیست که رمان را وارد حیطه روشنفکری کنیم؟ - در یکی از کتاب‌هایم، بیان کرده‌ام که بزرگترین نوآوری ادبیات در دوره‌ای است که ادبیات شفاهی به ادبیات کتبی تبدیل شده است.

از این دوره به بعد، ادبیات دیگر نوآوری به این بزرگی ندیده است. هیچکس شکی ندارد که ادبیات چیزهای زیادی را بدست آورده ولی در عین حال خیلی چیزها را هم از دست داده است. رمان در اصل نوعی انجماد و قتل ادبی است که در عین حال ادبیات را ناتوان‌تر کرده است. لذا به نظر من ضرورت دارد که رمان در سطح روشنفکران مورد بحث قرار نگیرد که در این حال ضربه‌ای مرگبار بر آن وارد خواهد شد. سؤال: ابزار شدن نویسندگان در رسانه‌های گروهی آیا عاملی برای عقیم گرداندن آثارشان نخواهد بود؟

- بدون شک. ولی شاید هم این لازم است. در این وضعیت می‌توانیم خود را با سخنان انجیل تسلی بدهیم و تکرار کنیم که هر باخت در اصل یک ثروت محسوب می‌گردد.

سؤال: در فرانسه مباحثاتی در رابطه با احتضار رمان مطرح است. شما در باره این موضوع چگونه می‌اندیشید؟

ژولیان بارنه: این موضوع که در انگلستان نیز مطرح است - صحت ندارد. رمان همانند تمامی رشته‌های هنری در حال تغییر و تطابق با بعضی از وضعیتها است. (مانند کشف سینما) در بعضی از کشورها به علت بیماریهای محلی ضرر می‌بینند. به نظر من رمان جاودانه است. بدون شک لذتهای دیگری هم وجود دارند که بتوانند با لذت و هیجان روشنفکرانی که یک کتاب به انسان می‌دهد، رقابت کنند، فقط همه آنها در مقابل رمان تاثیر خود را از دست می‌دهند.

سؤال: انگلوساکسونها هیچوقت رابطه خود را با رمان سنتی قطع نکرده‌اند. شما این موضوع را چگونه می‌بینید؟

نمی‌دانم، بلکه بتوان این موضوع را به دو شکل توضیح داد: انگلوساکسونها که بیشتر از لاتین‌ها بی‌صدا و درونگرا بودند، بوسیله رمان فرصت یافتند تا به بیان احساسات و امیال خود برخیزند، و یا شاید

سؤال: آیا خطرناک نیست که رمان را وارد حیطه روشنفکری کنیم؟

ادبیات چیزهای زیادی را بدست آورده ولی در عین حال خیلی چیزها را هم از دست داده است. رمان در اصل نوعی انجماد و قتل ادبی است که در عین حال ادبیات را ناتوان‌تر کرده است. رمان حقایق عمیق را به شکل دروغهای بسیار زیبا به خواننده تقدیم می‌کند. پیروزی فریبنده‌اش نیز مدیون این عمل است.

بخاطر اینکه انگلوساکسونها مصلحت اندیش تر از روشنفکران بودند، اشکال دیگر ادبی آنها را جلب نکرد و به رمان صادق ماندند.

سوال: بنظر شما ویژگیهایی که رمان انگلیس را از رمان فرانسه متمایز می سازد چیست؟  
- واقعگرایی اجتماعی، مزاح و وضعیتی که روشنفکران را مورد انتقاد قرار می دهد.

سوال: مهمترین انتقادی که در باره رمان مطرح می گردد. بی فایده بودن آن است. بنظر شما رمان چه فایدهای دارد؟

- رمان حقایق عمیق را به شکل دروغهای بسیار زیبا به خواننده تقدیم می کند. پیروزی فریندهاش نیز مدیون این عمل است. رمان دارای هیچ ارزشی نیست (به نظر افرادی که می گویند رمان بی فایده می باشد) و یا در دنیا ساحت مهمترین چیزها است.

سوال: به نظر شما مهمترین ویژگی رمان چیست؟  
- واقعگرایی، سپس سبک و زیبایی، ولی اگر واقعگرایی نباشد، هیچ ارزشی برای رمان باقی نمی ماند.

سوال: به نظر شما شخصتهای یک رمان براساس افکار پایه گرفته اند یا عکس این موضوع صادق است؟

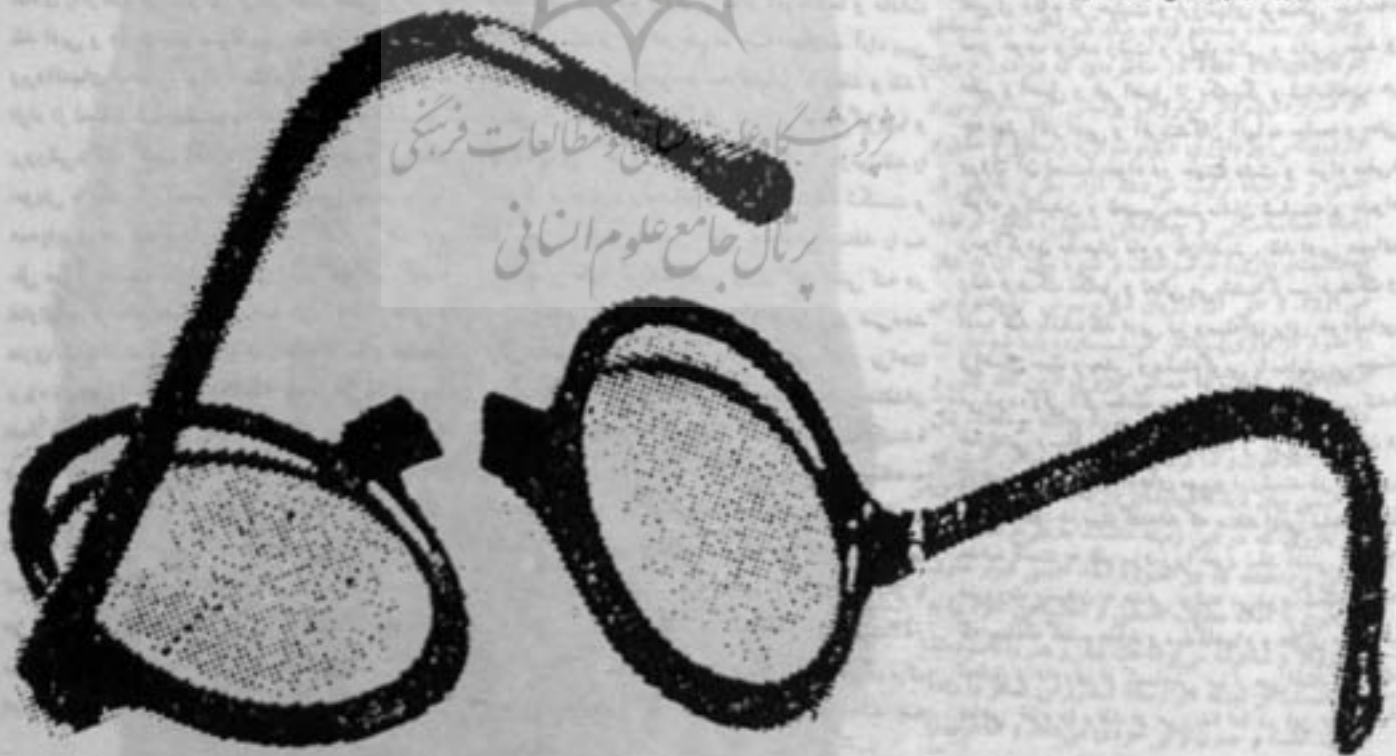
- بنظر من این تضاد درست نیست. شما رمانی را پیدا نمی کنید که بر پایه شخصتهای قابل باور شکل نگرفته باشد. در عین حال رمانی را هم پیدا نمی کنید که در آن افکار روشن و جالب وجود نداشته باشد. البته طرز فکری که در رمان بکار می رود با طرز فکری که در حیطه فلسفه وجود دارد - متفاوت است و منتقدین به این مسأله توجه ندارند. در رمان دنبال تفکر و اندیشه می گردند و به این وسیله از موضوع منحرف می شوند. این درست شبیه آن است که بخواهید حلزون را از پوسته اش بیرون آورید و زنده اش نگاه دارید.

سوال: گفته می شود، رمان شاخه ای که می تواند تحت تاثیرات فرهنگی و ادبی قرار گیرد. شما در این باره چگونه می اندیشید؟  
- من از هرگونه استبداد از ادبی گرفته تا فرهنگی و سیاسی بیزارم و خوشحال می شوم که رمان را تحت تاثیرات فرهنگی و ادبی بینم، این مسأله را به عنوان موضوع رمان طوطی فلور نیز برگزیده ام.  
سوال: آیا خطرناک نیست که رمان را وارد حیطه روشنفکری کنیم؟

- بله این دارای دو خطر است. از نظر نویسنده: رمان با افکار ساده را به راه افتاده و با خلاقیت، افکار کوچک را توسعه می دهد و به صورت وضعیتی مهم در می آورد. از زاویه منتقد: اخیراً منتقدین تمایل دارند که حوادث طبیعی را بر روی پایه های پیچیده نشانده و قالب بندی نمایند رمان با حیات شروع می شود، نه با اندیشه. فقط اندیشه ها در خلق حیات در رمان دارای جایگاه مهمی هستند. آثار فوق العاده زیادی مثل تورنیم را می توانیم به عنوان نمونه بیان کنیم.

سوال: ابزار شدن نویسندگان در دست رسانه های گروهی آیا عاملی برای عقیم گرداندن آثارشان نخواهد بود؟

- البته، رسانه های گروهی خطر بزرگی محسوب می گردند. ما در آرزوی دنیای هستیم که در آن نویسنده پس از نوشتن اثر خود و خواندن آن توسط خواننده با هیچ صدایی جز عکس العمل خواننده مواجه نشود. ولی متأسفانه نویسنده مجبور است تا زمانی که کتابش از سوی خواننده کشف می گردد زندگی کند. ابزار شدن برای رسانه های گروهی باعث می گردد که در بعضی از اوقات گوینده ای خود پسند بوجود آید. اما عموماً مشکلات مادی باعث این موضوع می گردند. در نتیجه می توان گفت که تعداد بسیار معدودی از نویسندگان فقط با قلم خود قادر به اداره زندگی هستند.



گروه مشاوران مطالعات فرهنگی  
رمان جامع علوم انسانی